



اول اینکه، مباحثی وجود دارد که در مورد ایجاد انگیزه کار یا پذیرفتن مسئولیت سخن می گوید و ایجاد انگیزه فقط در صورتی امکان پذیر است که ابعاد وجودی انسان، کیفیت انگیزش او و ارزشهای حاکم بر وجود او را بشناسیم و بدانیم که چگونه می توان برای رسیدن به این هدف، انگیزه های فطری و روحی انسان را مورد استفاده قرار داد.

دوم اینکه، یکی از بخشهای مهم مدیریت چگونگی کنترل نیروی انسانی کار است اگر بتوان در افراد عاملی درونی ایجاد کرد که مسئولیت خود را به بهترین صورت و بدون نیاز به کنترل بیرونی انجام دهند، هم از هزینه ها کاسته می شود و هم نیروها برای بخشهای تولیدی و خدمات آزاد می شوند و بدین ترتیب همه اهدافی که در مدیریت منظور است محقق می شود

لزوم طرح مباحث انسان شناسی در مدیریت، از این جهت است که در «مدیریت» ارزشهای انسانی مطرح می شود و این ارزشها نیز باید پایه های منطقی و فلسفی داشته باشند و اینجاست که مباحث مربوط به فلسفه اخلاق مطرح می شوند، زیرا این نکته ها که «ارزشها» چه کاربردهای عملی دارند و فلسفه وجودی آنها چیست و چرا باید به آنها پای بند بود، پایه های فلسفی ارزشهای اخلاقی هستند.

کاربرد فطرت در شاخه های مختلف علوم انسانی و همچنین کاربرد فطرت در قرآن کریم را توضیح دهید؟

یکی از مفاهیم کلیدی در انسان شناسی اسلامی، مفهوم «فطرت» است. «فطرت» در رشته های مختلف علوم انسانی مطرح و به مناسبتهای مختلف از آن یاد می شود. مثلا، فطرت در معرفت شناسی یکی از منابع شناخت به حساب می آید. در روان شناسی و علوم رفتاری یکی از عوامل جهت دهنده رفتار است. در اخلاق و فلسفه اخلاق نیز این سؤال مطرح است که آیا خلق و خوی انسان ناشی از عوامل فطری است؟ و سرانجام مبحث «فطرت» در دانش مدیریت، بخصوص مدیریت رفتار انسانی هم از جایگاه ویژه و خاصی برخوردار است

از این جهت که قرآن به زبان مردم؛ یعنی به زبان عربی روشن نازل شده است، مفاهیمی را که به کار می برد در ابتدا قابل فهم تمامی مردم و اهل آن زمان است. اما به مرور ممکن است در موارد استعمال آن اختلافاتی بروز کند؛ به این معنا که دایره استعمال یک لغت محدودتر یا گسترده تر شود و همین موضوع نیز به نوبه خود منشأ پیدایش اصطلاح جدیدی شود. در قرآن کلمات زیادی داریم که در ابتدا به معنای لغوی خودش به کار رفته، ولی کم کم در معنای خاص دیگری مصطلح شده است. به نظر می رسد که کاربرد «فطرت» در قرآن هم به همین صورت است؛ یعنی، قرآن معنای لغوی آن را اراده کرده است، منتها چون عرف مردم آن را در معنای خاصی به کار برده اند، به تدریج در همان معنای خاص، مصطلح شده است. ریشه اولیه این کلمه به معنای شکافته شدن از درون است، ولی در استعمال بعدی به معنای «آفرینش» به کار گرفته شده است

مقصود از خیر یا شر بودن سرشت انسان چیست؟

اگر مقصود از نیک یا بد بودن سرشت انسان معنای فلسفی آن است، وجود انسان و تمامی قوا و نیروها و ترکیبات او خیر محض است و اگر مقصود از خیر و شر معنای نسبی آن است که بدون شک وجود انسان برای بعضی موجودات شر و برای بعضی دیگر خیر است، ولی مجموعه وجودی او خیر است. قضاوت در مورد خیر یا شر بودن ارزشی انسان، فقط بعد از گزینش و اعمال اختیار ممکن است و صرف نظر از رفتار اختیاری، خیر و شر در مورد او معنا ندارد.

نظر اسلام را در مورد نسبی یا مطلق بودن ارزشهای اخلاقی تشریح نمایید؟

نظام ارزشی اسلام، نه کاملاً مطلق و ثابت است که در هیچ شرایط زمانی و مکانی تغییر نکند و نه اینکه همیشه تابع شرایط زمان و مکان است و در یک جمله اصول اخلاقی اسلام ثابت، اما مصادیق آن متغیر است

مثلاً، عنوان کلی صداقت و راستی مطلقاً ارزشمند است، اما گاهی مصادیق آن تغییر می کند. راست گفتن تا آنجا که به صلاح فرد یا جامعه است، با ارزش است، اما اگر همین عمل بر خلاف مصالح فرد و جامعه بود؛ مثلاً، جان انسانی را در معرض خطر و هلاکت قرار می داد، گناه و ضد ارزش است.

چگونه باید مدیری را تربیت کرد که تمامی ارزشهای اسلامی را به دقت رعایت کند؟

اصولاً پیدایش رفتار اختیاری در انسان، قبل از هر چیز، مرهون نوعی شناخت، آگاهی و بینش است. رفتار کورکورانه و بدون آگاهی و شناخت، رفتاری انسانی نیست و ارزش انسانی نخواهد داشت. برای اینکه حرکات و رفتار انسان معنا و ارزش پیدا کند و در سعادت او مؤثر باشد به شناخت عمیقی نیاز دارد علاوه بر بینش و دانش (تعلیم) نقش «تربیت» را نیز نباید به فراموشی سپرد. علاوه بر آموزش و تعلیم مدیران در زمینه مدیریت، باید زمینه رشد آنها را در بخش «مدیریت» نیز فراهم آورد؛ مدیری که از شرایط اقتصادی خود رنج می برد یا از جهت خانوادگی مشکل دارد، نمی تواند مدیر موفق باشد؛ لذا باید به وضع زندگی و خانوادگی و اقتصادی او هم رسیدگی شود تا اینکه او در محیط کار خود جز «مدیریت» فکر دیگری نداشته باشد. پس برای تربیت مدیران صالح و کارآمد باید از یک طرف آگاهیهای لازم را به او داد و از طرف دیگر، موانع موفقیت در کار را برطرف کرد

چهار مورد از ویژگی های نظام ارزشی اسلام را به اختصار تبیین نمایید؟

- فراگیری و شمول

در اسلام تمامی ارتباطات مناسب و مفید، مورد نظر قرار گرفته اند، ارتباط انسان با خدا، با خلق، با خود، خانواده، جامعه و حتی روابط بین الملل، ارزشهای ثابت و معینی دارند؛ یعنی هیچ مسأله ای از مسائل زندگی انسان نیست که تحت پوشش ارزشهای اخلاقی اسلام قرار نگیرد

- برخورداری از ارتباط و انسجام کافی

بین ارزشهای اسلامی آنچنان ارتباط معقول و منطقی وجود دارد که می توان این مجموعه را به صورت درختی ترسیم کرد که دارای ریشه ای قوی و مستحکم و تنه ای قدرتمند است. این درخت دارای شاخه های اصلی و فرعی است و جهت حرکت تمامی آنها نیز به سمت بالاست.

- قابلیت تبیین عقلانی

مکتبهای اخلاقی در این مورد دو گونه موضع دارند: بعضی از آنها ارزشهای اخلاقی خود را قابل تبیین عقلانی نمی دانند، بلکه حوزه ارزشها را عواطف و احساسات می پندارند، ولی گروهی دیگر به عقلانی بودن وادی ارزشها اعتقاد دارند، لذا آنها را قابل تبیین عقلانی می دانند. از دیدگاه ما، کامل ترین مکتبی که تمامی ارزشهای اخلاقی آن در یک مجموعه به هم پیوسته، قابل تبیین فلسفی و عقلی است دین مقدس اسلام است.

- تبیین لذت و سود نامحدود

ترك لذت نامشروع، لذات مداوم و نامتناهی در پی دارد که نهایت آن «رضوان من الله اكبر» است. «خشنودی محبوب، بالاترین لذت انسانهای عاشق است.» کسب رضایت محبوب به حدی مهم است که گاهی فرد تمامی هستی خود را فدا می کند تا اینکه لبخند رضایت را بر لبان محبوب خود بنشاند. لبخندی که ارزش آن از تمامی اموال او بیشتر است و این ترك لذات نامشروع است که رضایت محبوب هستی (خدای متعال) را به دنبال خواهد داشت چنین لذتی، لذت بخش ترین لذات است

- حسن فعلی و فاعلی

معمولاً در مکاتب اخلاقی، معیار قضاوت در مورد ارزش داشتن یا بی ارزش بودن یک رفتار، نفس عمل و نتایج آن است، بدون اینکه انتساب آن به فاعل و انگیزه و نیت فاعل مطرح باشد به تعبیر دیگر، معیار قضاوت فقط حُسن فعلی است و انگیزه، قصد و نیت فاعل در این مورد دخالتی ندارد، اما از دیدگاه اسلام، تنها معیار ارزش، حسن فعلی نیست، بلکه باید حسن فاعلی نیز مدنظر قرار گیرد

- مراتب داشتن ارزشها

مراتب ارزش اخلاقی در مکتب اخلاقی اسلام، طیف وسیعی از ارزشها را شامل می شود که می توان برای آن مراحل را تا بی نهایت قائل شد، در حالی که ارزشها در سایر مکاتب، فقط در دو دسته - یا در حد بسیار عالی و محدود یا در حد گسترده و یکسان برای همه - مطرح می شوند

برداشتهای مختلف از مدیریت اسلامی را همراه با بیان صحیح ترین برداشت تبیین نمایید؟

الف. تربیت یافتگان دانشگاه های غربی به دلیل دیدگاه ویژه خود، این تعبیر را صحیح نمی دانند و معتقدند که علومی از قبیل مدیریت، روان شناسی، جامعه شناسی و حتی اقتصاد، اسلامی و غیر اسلامی ندارد.

ب. گروهی از ساده نگران مذهبی «مدیریت اسلامی» را ارائه نظریات خاص و روشهای عملی ویژه اسلام برای حل مشکلات اجتماعی می دانند

ج. در برداشتی دیگر، گروهی مدیریت اسلامی را به «مدیریت مدیران مسلمان» معنا می کنند. آنها می گویند: محتوای مدیریت اسلامی بررسی توصیفی نحوه مدیریت مدیران مسلمان در طول تاریخ است.

اسلام دارای نظام ارزشی عمیق، گسترده و منسجمی است که مدیریت مدیران مسلمان را تحت تأثیر قرار می دهد، در روشهای عملی آنها اثر می گذارد و به حرکت آنها جهت می دهد. مکتب اسلام مشتمل بر ارزشهای خاصی است که تمامی ابعاد اقتصادی مسلمانان؛ از قبیل: کمیت و کیفیت تولید، نوع کالا، هدف از تولید، قیمت گذاری، رقابت و فروش آنان را تحت تأثیر قرار می دهد، اما معنای این گفته وجود تفاوت اساسی در نظام علمی اقتصاد بین بازار مسلمان و غیر مسلمان نیست

ویژگی های ذکر شده برای امور فطری در قرآن مجید را تشریح نمایید؟

در آیه مبارکه فطرت، خداوند متعال به پیغمبر (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: (فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا) روی خود را درست مقابل دین حنیف قرار بده

از این آیه شریفه می توان سه ویژگی برای فطرت استنباط کرد: اولاً شامل همه انسانها می شود. ثانیاً ذاتی و خدادادی است، نه اکتسابی. ثالثاً قابل تبدیل و تغییر نیست.

اولاً از این جهت که در آیه مبارکه، فاعل، خدا و مفعول آن «الناس» است، فطرت نسبت به همه انسانها عمومیت دارد و دیگر نمی توان گفت مثلاً فطرت ایرانی، عربی، سیاه و سفید، بلکه فطرت به کل ناس مربوط است، البته از نظر لغوی اشکالی ندارد که آن را در مورد خاصی به کار ببریم، مثلاً بگوییم، فطرت مرد، فطرت عرب، عجم و ... ولی در اینجا به کل انسانها مربوط است. پس معلوم می شود، آنچه مورد نظر خدای متعال بوده است در همه انسانها وجود دارد، زیرا کسی که این فطرت را به وجود آورده آن را به فرد یا صنف خاصی اختصاص نداده است. پس اولین ویژگی فطرت، عمومیت آن است.

ثانیاً فطرت - که نوعی آفرینش معنا شد - فقط از ناحیه خداست. بنابراین چیزی نیست که خود مردم آن را کسب کنند، پس آنچه مردم خودشان با زحمت بدست می آورند، فطری نیست، به دیگر سخن: در اینجا منظور فطرت خدادادی و ذاتی است سومین ویژگی امور فطری این است که تغییر و تبدیلی نمی پذیرند و همیشه ثابتند

راه ترویج ارزشهای اخلاقی چیست؟

انجام این عمل به دو مقدمه نیاز دارد، اول: اینکه باید ارزشها را بررسی نماییم، ملاک اعتبارشان را بدانیم و تعیین کنیم که آیا از جهت نظری هم قابل قبول اند یا نه.

ثانیاً: روش ترویج و رسوخ دادن ارزشها در اذهان دیگران و پایبند کردن آنها به این ارزشها را بیاموزیم؛ یعنی، چه کاری را باید انجام دهیم که فردی را متعهد و عامل به دانسته‌های خود بار آوریم، ایجاد انگیزه در نیروی انسانی، به شناخت حالات روحی انسان و شناخت اینکه چگونه میشود انگیزه کار را در فرد ایجاد کرد، بستگی دارد.

هدف از کسب ارزشهای اخلاقی در اسلام چیست؟

یکی از شبهاتی که در مورد هدف از کسب ارزشهای اخلاقی ایجاد شده، این است که: هدف اسلام از تشویق انسان به کسب ارزشهای اخلاقی، رساندن او به لذات اخروی و بهشت جاودان است چنین بیانی این توهم را ایجاد می کند که پس «ملاک ارزش» در اسلام، لذت است هر امری که برای انسان لذت آور باشد ارزشمند است و هر چیز که موجب عذاب و ناراحتی و رنج او شود بی ارزش است در صورت رعایت ارزشهای اخلاقی، در عین حفظ لذات مادی، لذابندی برای اولیای خدا پیدا می شود که قابل مقایسه با سایر لذات نیست، ولی به هر حال لذت است. بنابراین می توان گفت که یکی از ملاکهای ارزش در اسلام لذت است، اما همان گونه که در مبحث نظام ارزشی اسلام بیان شد، لذتی که از دیدگاه اسلام ملاک ارزش است با آنچه که لذت گرایان می گویند متفاوت است. اولاً این لذت ابدی است ثانیاً عرفانی است، نه لذت حسی و خیالی ملاک ارزش اخلاقی، سعادت، لذت و کمال است. بنابراین، کمال و سعادت، مطلوب فطری انسان اند و انسان عاقلی را نمی توان یافت که طالب سعادت نباشد.

مقصود از طرح انسان شناسی در مدیریت چیست؟

یکی از نیازهای ما در مباحث مدیریت، پرداختن به مبحث «ارزشهای انسانی» است. نیاز ما به بررسی ارزشهای انسانی مدیریت، بسیار جدی است. یک دلیل آن این است که نتیجه تحقیقات مدیریت نشان می دهد: اگر اعضای یک سازمان تولیدی از ارزشهای اخلاقی بهره مند باشند، بازده کار، بیشتر و هزینه آن کمتر است و شاید بتوان گفت تثبیت ارزشهای اخلاقی، بهترین

شیوه کنترل نیروی انسانی است بدون درونی شدن ارزشها، حتی مدیر یک مؤسسه هم مورد اطمینان نیست و کسی باید او را کنترل کند و باید کسانی هم باشند که مسئولان کنترل و بازرسی را کنترل کنند که گزارشهای آنها صحیح باشد؛ حقایق را کتمان نکنند، یا مطالبی را جعل نکنند و برای این گروه کنترل هم همین سخن صادق است، اما اگر به جای این همه نیروی انسانی کنترل کننده بتوان ارزشها را در درون کارمندان به وجود آورد؛ یعنی آنها را به یک سلسله اصول اخلاقی ارزشمند پایبند کرد، به حدی که بتوان به خود آنان اعتماد کرد، در این صورت هم نیروهای مُراقب، آزاد شده و می‌توانند به کار موثردی پردازند و هم هزینه‌ای را که صرف آنها می‌شود، می‌توان در جای دیگر به کار گرفت. علاوه بر این، کارگران بیش از پیش احساس شخصیت و ارزش خواهند کرد، زیرا افرادی که دائماً خودشان را تحت کنترل می‌بینند، احساس حقارت می‌کنند، اما وقتی که به آنها اعتماد شود و واقعاً قابل اعتماد هم باشند

آیا ارزشهای اخلاقی که در اقتصاد و مدیریت مطرح می‌شود، صرفاً جنبه ذهنی و ایدئالی ندارد؟

پاسخ: اگر ما نتوانستیم ارزشهای اخلاقی را در عمل پیاده کنیم حاکی از ضعف ماست، نه ناشی از ذهنی بودن ارزشهای اخلاقی. آدمی فقط در صورتی می‌تواند به اهمیت این ارزشها پی ببرد که بتواند جامعه و مکتبی را خالی از ارزشها تصور کند، در آن صورت می‌تواند بفهمد که ارزشها تا چه اندازه مؤثرند. امروزه در فاسدترین جوامع هم ارزشهای اخلاقی، هر چند در مرتبه‌ای بسیار ضعیف، وجود دارند.

راه‌های اثبات وجود روح را تشریح نمایید؟

- 1) راه عقلی که همان راه فلسفی برای اثبات وجود و تجرد روح است. که به عنوان نمونه می‌توان از برهان درک کلیات، امتناع انطباع کبیر در صغیر، رؤیاهای صادق، احضار ارواح و خوابهای مغناطیسی نام برد
- 2) راه دیگر برای اثبات وجود روح، تجربه درونی یا شهودی است؛ یعنی اینکه اگر انسان تلاش کند، «خود» را «می‌یابد».
- 3) آثار روح. راه دیگر برای اثبات روح، آثاری است که بر وجود روح مترتب می‌شود. شخصی خوابی را می‌بیند و در خواب کسی مطلبی را می‌گوید که اصلاً در ذهن او نبوده است، وقتی که بیدار می‌شود و تحقیق می‌کند می‌بیند که دقیقاً همین گونه است
- 4) آیات قرآن، دلیلی دیگر بر اثبات روح آیات قرآن مجید به روشنی بر این واقعیت دلالت دارد که حقیقت انسان، روح اوست و ویژگیهای روح با بدن یا مغز انسان تفاوت دارد

چند مورد از خصوصیات یک مدیر خدا باور را نام برده و هر کدام را به اختصار توضیح دهید؟

- 1) اعتراف به عجز و ناتوانی در برابر خدا: خضوع و فروتنی در برابر خدا را افزایش داده و مانع ایجاد غرور می‌گردد
- 2) اطلاعات خداوند همراه همه عالم هستی: بصیرت نسبت به اطلاعات همه پدیده‌های عالم هستی از خداوند عمق اندیشه، فکر و باور مدیر را افزایش می‌دهد

- 3) اعتراف به علم فراگیر خداوند : سبب می شود مدیر در تصمیم گیری ها و اداره امور همواره به راهنمایی های بزرگان ادیان رجوع نماید تا میزان خطای ایجاد شده را به حداقل برساند
- 4) امیدواری به خداوند : سبب می شود در برابر سخت ترین مشکلات نیز ایستادگی نموده و بهترین تصمیمات را اتخاذ نماید
- 5) انس با خدا : باعث آرامش در هر حالتی می شود و این شاخص بهبود مدیریت و تصمیم گیری را به همراه دارد
- 6) نیاز دایمی به خداوند : ریشه غرور را در یک مدیر از بین می برد و باعث می شود بیشتر به محرومان و نیازمندان توجه نماید
- 7) ترس از خدای متعال : لازمه عدالت مداری یک مدیر اسلامی است

نکات مدیریتی در فرهنگ مهدویت را بنویسید ؟ (آثار مهدویت در مدیریت اسلامی)

- 1) ضرورت پیروی از اوامر الهی
- 2) حاکمیت نهایی حکومت جهانی الهی
- 3) عدل محوری حکومت جهانی
- 4) ضرورت مبارزه با خلاف کاران تا تحقق حکومت الهی
- 5) راه نادرست و راه افراد فاسد هیچگاه پایان خوشی نخواهد داشت
- 6) انسان باید در راه حق و برای رسیدن به حقیقت مبارزه کند
- 7) باید با خود سازی و جامعه سازی بر مبنای احکام الهی زمینه ظهور را فراهم کرد
- 8) ارتباط و تعامل با امام زمان (عج)
- 9) ایجاد بستر رشد و شکوفایی معنوی و مادی برای هم
- 10) جلوگیری از انحرافات و اتلاف وقت برای امور بی اهمیت

هشت مورد از اصول و مبانی حکومت الهی را نام ببرید:

1. برخورد قاطعانه با خیانت کارگزاران
2. هشدار از بی اعتباری دنیای حرام
3. عبرت از گذشتگان
4. روش گزینش نیروهای عمل کننده
5. هشدار از استفاده ناروای بیت المال
6. نقش بیعت مردم در حکومت
7. پرهیز از غرور زدگی در نعمت ها
8. مسئولیت های رهبری و نظامیان

9. ضرورت خود سازی

10. اجرای اوامر الهی

11. دل به دنیا نبستن

12. حقوق رهبر بر مردم

مبانی ارزشها را در مدیریت اسلامی از دیدگاه اسلام و غرب مقایسه کنید؟

مبنا در مدیریت غربی انسان اقتصادی است و هدف ، افزایش تولید با استفاده از روش های مختلف است و نقش خداوند فقط در زندگی شخصی افراد است در حالی که در مدیریت اسلامی با اعتقاد به اینکه :

- 1- نظام هستی ناشی از اراده خداوند است (توحید)
- 2- مبناى حرکت بشر در جهان ، عقل و وحی است (نبوت و امامت)
- 3- نظام تنبیه و تشویق وجود دارد (عدل و معاد)
- 4- به دو عنصر بصیرت و توکل در تصمیم گیری ها توجه می شود
- 5- هدف اصلی توجه به کرامت انسانی افراد است و در این میان ، هدف اقتصادی وسیله ای برای تحقق و رسیدن به کرامت انسانی است

ویژگی های حکومت جهانی مهدی موعود (عج) را تشریح نمایید؟

او (حضرت مهدی (عج)) خواسته ها را تابع هدایت وحی می کند هنگامی که مردم هدایت را تابع هوس های خویش قرار می دهند . درحالی که به نام تفسیر ، نظریه های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می کنند او نظریه و اندیشه ها را تابع قرآن می سازد. زمین میوه های دلش را برای او بیرون می ریزد و کلید هایش را به او می سپارد . او روش عادلانه در حکومت حق را به مردم می نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر را که تا آن روز متروک مانده زنده می کند و بردگان و ملت های اسیر را آزاد سازد.

مراحل خود کنترلی فردی (حساب نفس) را نام برده و تشریح نمایید؟

- 1- مشارطه و پیمان گیری حسابرسی نفس
مومن باید ساعتی را برای مشارطه تعیین کند و در خلوت ، با خدا و نفس خود شرط کند که چه کارهایی را انجام دهد و از چه کار هایی دوری کند فرد از تک تک اعضاء و جوارح تعهد می گیرد که خطا نکنند.

2- مراقبه

انسان باید در همه حال مواظب و خود بیدار باشد . خدا را همواره حاضر و ناظر بداند و پیمانش را به یاد داشته باشد که اگر یک لحظه غفلت کند ، ممکن است شیطان و نفس اماره در اراده اش رخنه کنند.

3- حسابرسی اعمال

انسان باید ساعتی در گوشه ای خلوت برای حسابرسی اعمال روزانه بیندیشد که در طول روز چه کرده ، اگر به عمل صالح مشغول بوده خدا را شکر گوید و تصمیم به ادامه بگیرد و اگر مرتکب گناه شده نفس را مورد سرزنش و مجازات قرار داده ، توبه کند

اثرات مطلوب اداء حقوق رهبری و مردم در قبال یکدیگر را بیان نمایید ؟

- 1- عزت یافتن حق در جامعه
- 2- پدیدار شدن راه های دین
- 3- برقراری عدالت
- 4- پایداری سنت پیامبر
- 5- اصلاح امور مردم
- 6- امیدواری ملت به تداوم حکومت
- 7- نایمیدی دشمنان در رسیدن به اهداف خود

اصول بنیادی حاکم بر نظارت و کنترل از دیدگاه اسلام را توضیح دهید ؟

- 1- اصل حضور و شهود : انسان در محضر خداست و خداوند بر تمام اعمال و رفتار و نیات افراد نظارت کامل دارد .
- 2- اصل امر به معروف و نهی از منکر : ابتدا فرد باید امر به معروف و نهی از منکر را بشناسد و دوم احتمال تاثیر پذیری در فرد خاطی را بداند و سوم نداشتن ضرر و شرط چهارم ادامه و اصرار متخلف بر گناه می باشد
- 3- اصل نظم : نظم باعث می شود مسیر انجام کار مشخص ، وظایف و مسئولیت کارکنان روشن ، قوانین و مقررات شفاف و واضح و فرآیند انجام کار قابل بررسی و کنترل باشد
- 4- اصل رعایت حسن اخلاق : باعث اجرای دقیق قوانین و نظارت کامل می شود هر چه قدر اخلاق حسنه در فرد بیشتر باشد به صورت خود کنترل قرانین الهی را پذیرفته و اجرا می کند
- 5- اصل عدالت در کنترل : نظارت همراه با عدالت ، سازنده و بالنده است و سازمان را به سمت شایسته سالاری سوق می دهد
- 6- اصل تعریف معیار ، استاندارد و ضابطه برای کنترل : باعث می شود نظرات شخصی ملاک قضاوت و کنترل قرار نگیرد .
- 7- اصل هوشیاری و زیرکی در دریافت و اریایی اطلاعات : باعث می شود اطلاعات دقیق ، صحیح و به هنگام بدست مدیران برسد .
- 8- اصل پیشگیری : برنامه ریزی امور باید به گونه ای باشد که قبل از اجرا ، نارسایی های احتمالی که موجب عدم تحقق اهداف یا انحراف عملکرد می شود را پیش بینی و پیشگیری کند

موضع حضرت علی در امر حکومت را با توجه به خطبه 205 به اختصار توضیح دهید ؟

- 1- برخورد قاطعانه با سران ناکثین (طلحه و زبیر)
- 2- نکوهش تکبر و خود پسندی شیطان
- 3- نفی حکومت استبدادی
- 4- نفی حکومت اشرافی

- 5- نفی حکومت منهای دین
- 6- پرهیز از امتیاز خواهی
- 7- شرایط گزینش فرماندهان

آثار عدم رعایت حقوق متقابل رهبر و مردم را تشریح نمایید ؟

- 1- از بین رفتن اتحاد ملی
- 2- بالا گرفتن ظلم و ستم
- 3- افزایش نیرنگ و بدعت در دین
- 4- کمرنگ شدن سنت پیامبر
- 5- پیروی از هوی و هوس
- 6- از بین رفتن تدریجی دین
- 7- افزایش مشکلات روحی
- 8- بی تفاوتی نسبت به رواج بی عدالتی در جامعه
- 9- رواج فساد در جامعه
- 10- خوار و زبون شدن افراد نیکوکار و به قدرت رسیدن افراد فاسد

آثار و علایم خود کنترلی را نام برده و به اختصار توضیح دهید ؟

- 1- مقید به اطاعت از خداوند : فرد خود کنترل چونکه خود را در محضر خدا می بیند واجبات را انجام داده و از محرمات دوری می کند
- 2- خضوع و فروتنی : در مقابل مردم بویژه مستضعفان تواضع و فروتنی داشته و به دنبال حل مشکلات دیگران است .
- 3- عشق به عبادت : لذت مناجات و راز و نیاز با خدا را بر هر لذت دیگری ترجیح می دهد
- 4- آرامش و اطمینان : با ذکر و انس خدا قلبی آرام داشته و با صبر و استقامت گرفتاری ها را تحمل می کنند
- 5- توجه خدا به بنده : خود کنترلی محبت خدا را به بنده جلب می کند و محبت خدا باعث محبوبین او نزد خلق می شود
- 6- داشتن روحیه جهاد و تلاش
- 7- احسان و خدمت به مردم

آثار آخرت گرایی در رفتار فردی ، سازمانی جامعه را توضیح دهید ؟

آخرت گرایی روحیه تیمی را تقویت می کند ، کم کاری را کاهش داده ، هدفهای فردی و سازمانی را تلفیق می کند . رقابتها سالم و ارباب رجوع راضی است . تعامل مثبت بین همه بخشها برقرار است و اعتماد متقابل باعث پیشرفت روز افزون سازمان و افزایش بازده می شود خود کنترلی برقرار شده و کارایی و اثر بخشی افزایش می یابد